

«**آهوی پیش‌سونی سفید**» **چقدر در جذب مخاطب کودک موفق عمل کرده است؟ یا توجه به اینکه در همه جای دنیا فیلم کودک تماشاگر خوبی دارد.**

«پیشونی سفید یک» برای بچه‌ها بسیار دوست‌داشتنی و مورد علاقه‌شان بود. با توجه به فروشی که کرد فکر می‌کنم توانست مخاطب خوبی جذب کند. منتها هدف من خانواده بود. برای همین یک کاری ساختم که وقتی پدر و مادر دست بچه‌ها را می‌گیرند و به سینما می‌آیند، حوصله‌شان سر نرود. واقعا دوست داشتم در آن میان حرف‌هایی بزنم که بچه‌ها هدایت شوند. تمایل داشتم چند پیام اخلاقی، زیر لوای تم شاد که در یک جاهایی کودکانه و یک جاهایی بزرگسالانه بود، منتقل کنم. فکر می‌کنم توانستم حداقل به ۷۰-۶۰ درصد آنچه می‌خواهم برس، ولی سلیقه‌ام «آهوی پیشونی سفید ۲» نیست. در نسخه سوم سعی کردم کمی بیشتر سلیقه‌ام را اعمال کنم. تلاش کردم با آهوی پیشونی سفید، برنده‌شوم که بعدها سلیقه اصلی خودم را به نمایش بگذارم.

پس شاهد اکران «پیشونی سفید ۲» هم خواهیم بود؟

در حال حاضر بخش «آهوی پیشونی سفید ۳» دست آقای سیدمحمود رضوی و حوزه هنری است و به صورت رسمی با آنها قرار داد بسته‌ام. فکر می‌کنم آن‌شاالله اگر خدا بخواهد در عید نوروز اکران شود.

برخی از رجعات در پیشونی سفید نمی‌تواند برای کودکان دارای مفهوم باشد؛ برای مثال موسیقی‌ای که در فیلم شما شنیده می‌شود. مثل این ترانه «پار سهال بهار دسته‌جمعی رفته بودیم زیر بیارت» نه برای کودکان مفهوم است چون بچه‌ها ذهنیتی از این موسیقی ندارند، نه جنبه نوستالژی دارد؛ ضمن اینکه برای سن کودک هم مناسب نیست و حتی برای بزرگسال هم قدری مبتذل است.

من مجبورم خانواده را به سینما بیاورم. مجبورم پدر و مادر را در سینما بپنشانم. بچه‌ها این ترانه را درک نمی‌کنند، اما به محض شنیدن آن دست می‌زنند و شادای می‌کنند. من چارهای ندارم جز اینکه در فیلم نوستالژی‌یک بزرگ‌ترها را هم زنده کنم. من تلویزیون را در اختیار نداشتم. شهر موش‌ها و کلاه قرمزی از تلویزیون شروع کردند. آنها برند تلویزیونی داشتند. این برای من که هیچ برندی در اختیار نداشتم خوب بود. اما به حال پیشونی سفید سومین فیلم فروش تاریخ سینمای نوجوان بوده است. این یک اتفاق نادر است.

اگر نوستالژی یک بزرگ ترها را با همین «شهر موش‌ها» که به آن اشاره کردید یا «شعله برو بیبا» یا «آقای حکایتی» برمی‌انگیختید، قابل پذیرش نبود؟ هم به سبببندی ملی ارجاع می‌دید و هم اینکه آنها برای بچه‌ها امکان‌ناهای اشتناکی است.

نه؛ آنها در دوره خودش هم فروش آنچنانی نداشتند. آقای حکایتی یا گلنار. گلنار در زمان خود فروش نداشت بعدها گلنار، گلنار شد. بعدها گفتندی کاش مثل گلنار ساخته بشود. فیلم‌ها کودک و نوجوان اصلا فروشی نداشتند. «شهر موش‌ها» و «کلاه قرمزی» هم تلویزیون را در اختیار داشتند، ولی من چه ایزاری در پیشونی سفید داشتم. تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که جذابیت‌های کاذبی به وجود بیاورم که حرف اصلی خود را بزنم.

این از رجعات، تصاویر و موسیقی در پیشونی سفیدبه فیلم‌شعله که مربوط به سینمای هند هست هم برمی‌گردد. شعله هم مناسب سن کودک نیست.

من توضیح دیگری ندارم. در مورد فیلم شعله هم همینطور که بیشتر عرض کردم. بچه‌ها این فیلم‌ها را ندیدند اما آنها شاد می‌شوند.

خب وقتی بچه‌ها ندیدند، چرا در فیلمتان از آن استفاده کردید؟

توجهی نمی‌خواهد. اینها موسیقی هستند، بچه‌ها این موسیقی را نمی‌شناسند. حالا چه خوششان بیاید و چه خوششان نیاید. این موسیقی نوستالژی بزرگ‌ترها را زنده می‌کند که بگویند: من نوجوان آینده‌م. من پیرمردها را با این کار افتاع کردم. نوجوان‌ها را ملودی شادی که بتوانند با آن ذند بزند قانع کرد.م. من با این ترند توانستم پدر و مادرها را هم روی صندلی سینما بنشانم.

پس هدف شما در این فیلم‌ها صرفاً سرگرمی و هیجان دادن به بچه‌ها است؟

علی‌بابا، فیلمی دیگر از آهوی سفید که در ۱۳۹۰ اکران شد

«**آهوی پیش‌سونی سفید**» **چقدر در جذب مخاطب کودک موفق عمل کرده است؟ یا توجه به اینکه در همه جای دنیا فیلم کودک تماشاگر خوبی دارد.**

«پیشونی سفید یک» برای بچه‌ها بسیار دوست‌داشتنی و مورد علاقه‌شان بود. با توجه به فروشی که کرد فکر می‌کنم توانست مخاطب خوبی جذب کند. منتها هدف من خانواده بود. برای همین یک کاری ساختم که وقتی پدر و مادر دست بچه‌ها را می‌گیرند و به سینما می‌آیند، حوصله‌شان سر نرود. واقعا دوست داشتم در آن میان حرف‌هایی بزنم که بچه‌ها هدایت شوند. تمایل داشتم چند پیام اخلاقی، زیر لوای تم شاد که در یک جاهایی کودکانه و یک جاهایی بزرگسالانه بود، منتقل کنم. فکر می‌کنم توانستم حداقل به ۷۰-۶۰ درصد آنچه می‌خواهم برس، ولی سلیقه‌ام «آهوی پیشونی سفید ۲» نیست. در نسخه سوم سعی کردم کمی بیشتر سلیقه‌ام را اعمال کنم. تلاش کردم با آهوی پیشونی سفید، برنده‌شوم که بعدها سلیقه اصلی خودم را به نمایش بگذارم.

پس شاهد اکران «پیشونی سفید ۲» هم خواهیم بود؟

در حال حاضر بخش «آهوی پیشونی سفید ۳» دست آقای سیدمحمود رضوی و حوزه هنری است و به صورت رسمی با آنها قرار داد بسته‌ام. فکر می‌کنم آن‌شاالله اگر خدا بخواهد در عید نوروز اکران شود.
برخی از رجعات در پیشونی سفید نمی‌تواند برای کودکان دارای مفهوم باشد؛ برای مثال موسیقی‌ای که در فیلم شما شنیده می‌شود. مثل این ترانه «پار سهال بهار دسته‌جمعی رفته بودیم زیر بیارت» نه برای کودکان مفهوم است چون بچه‌ها ذهنیتی از این موسیقی ندارند، نه جنبه نوستالژی دارد؛ ضمن اینکه برای سن کودک هم مناسب نیست و حتی برای بزرگسال هم قدری مبتذل است.

من مجبورم خانواده را به سینما بیاورم. مجبورم پدر و مادر را در سینما بپنشانم. بچه‌ها این ترانه را درک نمی‌کنند، اما به محض شنیدن آن دست می‌زنند و شادای می‌کنند. من چارهای ندارم جز اینکه در فیلم نوستالژی‌یک بزرگ‌ترها را هم زنده کنم. من تلویزیون را در اختیار نداشتم. شهر موش‌ها و کلاه قرمزی از تلویزیون شروع کردند. آنها برند تلویزیونی داشتند. این برای من که هیچ برندی در اختیار نداشتم خوب بود. اما به حال پیشونی سفید سومین فیلم فروش تاریخ سینمای نوجوان بوده است. این یک اتفاق نادر است.

«**آهوی پیش‌سونی سفید**» **چقدر در جذب مخاطب کودک موفق عمل کرده است؟ یا توجه به اینکه در همه جای دنیا فیلم کودک تماشاگر خوبی دارد.**

«پیشونی سفید یک» برای بچه‌ها بسیار دوست‌داشتنی و مورد علاقه‌شان بود. با توجه به فروشی که کرد فکر می‌کنم توانست مخاطب خوبی جذب کند. منتها هدف من خانواده بود. برای همین یک کاری ساختم که وقتی پدر و مادر دست بچه‌ها را می‌گیرند و به سینما می‌آیند، حوصله‌شان سر نرود. واقعا دوست داشتم در آن میان حرف‌هایی بزنم که بچه‌ها هدایت شوند. تمایل داشتم چند پیام اخلاقی، زیر لوای تم شاد که در یک جاهایی کودکانه و یک جاهایی بزرگسالانه بود، منتقل کنم. فکر می‌کنم توانستم حداقل به ۷۰-۶۰ درصد آنچه می‌خواهم برس، ولی سلیقه‌ام «آهوی پیشونی سفید ۲» نیست. در نسخه سوم سعی کردم کمی بیشتر سلیقه‌ام را اعمال کنم. تلاش کردم با آهوی پیشونی سفید، برنده‌شوم که بعدها سلیقه اصلی خودم را به نمایش بگذارم.

پس شاهد اکران «پیشونی سفید ۲» هم خواهیم بود؟

در حال حاضر بخش «آهوی پیشونی سفید ۳» دست آقای سیدمحمود رضوی و حوزه هنری است و به صورت رسمی با آنها قرار داد بسته‌ام. فکر می‌کنم آن‌شاالله اگر خدا بخواهد در عید نوروز اکران شود.

برخی از رجعات در پیشونی سفید نمی‌تواند برای کودکان دارای مفهوم باشد؛ برای مثال موسیقی‌ای که در فیلم شما شنیده می‌شود. مثل این ترانه «پار سهال بهار دسته‌جمعی رفته بودیم زیر بیارت» نه برای کودکان مفهوم است چون بچه‌ها ذهنیتی از این موسیقی ندارند، نه جنبه نوستالژی دارد؛ ضمن اینکه برای سن کودک هم مناسب نیست و حتی برای بزرگسال هم قدری مبتذل است.

من مجبورم خانواده را به سینما بیاورم. مجبورم پدر و مادر را در سینما بپنشانم. بچه‌ها این ترانه را درک نمی‌کنند، اما به محض شنیدن آن دست می‌زنند و شادای می‌کنند. من چارهای ندارم جز اینکه در فیلم نوستالژی‌یک بزرگ‌ترها را هم زنده کنم. من تلویزیون را در اختیار نداشتم. شهر موش‌ها و کلاه قرمزی از تلویزیون شروع کردند. آنها برند تلویزیونی داشتند. این برای من که هیچ برندی در اختیار نداشتم خوب بود. اما به حال پیشونی سفید سومین فیلم فروش تاریخ سینمای نوجوان بوده است. این یک اتفاق نادر است.

اگر نوستالژی یک بزرگ ترها را با همین «شهر موش‌ها» که به آن اشاره کردید یا «شعله برو بیبا» یا «آقای حکایتی» برمی‌انگیختید، قابل پذیرش نبود؟ هم به سبببندی ملی ارجاع می‌دید و هم اینکه آنها برای بچه‌ها امکان‌ناهای اشتناکی است.

نه؛ آنها در دوره خودش هم فروش آنچنانی نداشتند. آقای حکایتی یا گلنار. گلنار در زمان خود فروش نداشت بعدها گلنار، گلنار شد. بعدها گفتندی کاش مثل گلنار ساخته بشود. فیلم‌ها کودک و نوجوان اصلا فروشی نداشتند. «شهر موش‌ها» و «کلاه قرمزی» هم تلویزیون را در اختیار داشتند، ولی من چه ایزاری در پیشونی سفید داشتم. تنها کاری که می‌توانستم انجام دهم این بود که جذابیت‌های کاذبی به وجود بیاورم که حرف اصلی خود را بزنم.

این از رجعات، تصاویر و موسیقی در پیشونی سفیدبه فیلم‌شعله که مربوط به سینمای هند هست هم برمی‌گردد. شعله هم مناسب سن کودک نیست.

علی‌بابا، فیلمی دیگر از آهوی سفید که در ۱۳۹۰ اکران شد

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۴۰۹۸۴۶۴

گفت‌وگوی «جوان» با سیدجواد هاشمی، کارگردان «پیشونی سفید ۲»

یک دهه به سینمای کودک بی مهری کرده‌ایم

■ **سارا نیکویی** ■

سیدجواد هاشمی این روزها فیلم سینمایی «پیشونی سفید۲» را در حال اکران دارد که طی ۱۰ روز توانسته مرز ۴ میلیارد تومان فروش را پشت سر بگذارد. «جوان» با این سینماگر درباره ترانه ترن فیلمش و نیز اهمیت سینمای کودک گفت‌وگو کرده‌است.



بله؛ اما من در آنها حرف‌هایم را زده‌ام. در پیشونی سفید یک و ۲ ایستادگی و مقاومت در مقابل ظلم و زور را گفتم.ام بچه‌ها ا قهرمان کرد.ام. پیشونی سفید را قهرمان کرده‌ام که از هیچ چیزی نترسد، در مقابل ترس‌های زودگذری چون اختاپوس ایستد و به پدر و مادر احترام بگذارد. حتی وقتی پدرش ظلم می‌کند، احترام به او را حفظ کند. من مفاهیم قرآنی را در شکل تازه، به زبان کودکانه بیان کرده‌ام؛ مثل احترام به دشمن؛ همانند امیرالمؤمنین(ع)، یعنی وقتی پیشونی سفید شمشیر را می‌زند عذرخواهی می‌کند. اینکه بچه‌ها این‌را بفهمند که وقتی با دشمنشان رویه‌رو می‌شوند، به خاطر یک اتفاق بزرگ‌تر احترام بگذارند.

همین که من بتوانم چند حرف خوب بزنم کافی است. بچه‌ها که نمی‌دانند ترانه «پار سهال بهار دسته‌جمعی رفته بودیم زیارت» یعنی چی! بچه‌ها غالب ماجرا را چیزهای دیگر می‌بینند. بچه‌ها در سینما یاد می‌گیرند بر ترسشان غلبه کنند. اینها از اختاپوس می‌ترسند اما بر آن غلبه می‌کنند. همانطور که روان‌شناسی کودک در سینمای هالیوود همین را می‌گوید؛ مثل «هری پاتر» که ترسناک است. ولی به بچه یاد می‌دهد که بچه‌ها نترسند. من همین که بتوانم بگویم بچه‌ها یاداتان باشد



با توجه به اینکه رنگ، نور و فضای شاد باید در سینمای کودک استفاده شود، فضای پس‌زمینه فیلم مقداری تیره و تار است.

فیلم من پر از رنگ و طراوت‌است. بانظر شما موافق نیستم چون فکر می‌کنم فیلم از حیث رنگ و لعاب صحنه‌ها خیلی جذاب‌است.حسن پیشونی سفیدهمین‌رنگ‌و نور فضای آن است وهمین باعث جذابیتش شده‌است.

در نگارش فیلمنامه از کسی هم کمک گرفتید؟ نه من فقط از تخیلات خودم بهره بردم. از جایی کمک نگرفتم و این فیلم حاصل تجربیات ۳۰ ساله معلمی من است. علت اینکه بچه‌ها برای من مهم هستند هم همین موضوع است.

چرا سینمای کودک در کشور ما جدی گرفته نمی‌شود یا به نوعی باید گفت که سینمای ایران از کودکان دور شده‌است؟

ممکن است چند تا دلیل داشته باشد؛ یکی اینکه مسئولان ما خودشان نشانن بالا رفته‌است وبچه‌ندارند وانگار احساس دین نمی‌کنند؛ البته جدیداً من احساس می‌کنم که خیلی اتفاقات خوبی در حال وقوع است و به آثار کودکان ونوجوانن رفته رفته توجه می‌شود.امیدوارم که تلاش‌های سینماگران هم به نتیجه برسد و کم‌کم سینمای کودک را محجوریت بیرون بیاید. ولی دلیل دیگر این است که برای کودکان فیلم ساخته نمی‌شود وعادت سینما رفتن از بچه‌ها گرفته شده و بیشتر برای آنها فیلم ویدئویی خریداری می‌شود. به طور مثال فیلم ویدئویی «آهوی پشونی سفید یک» بیشتر از سینما فروش کرد. فکر می‌کنم این عادت سینما رفتن باید به دوره طلایی سینمای ایران یعنی سال‌های اوایل دهه ۶۰ برگردد وان‌شاالله در آینده نزدیک شاهد اتفاقات خوب در سینمای کودک باشیم.

شما جزو علاقه‌مندان به سینمای کودک هستید و در این زمینه هم فعالیت می‌کنید. به نظر شما اهمیت کودکان در سینمای ایران تا چه اندازه‌است و چرا اهمیت این موضوع پس از دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ به حاشیه رفته‌است؟

همه از کان یک کشور فرزندان آن مملکت هستند وفونانسیسون رشد در هر جامعه بشری مستقیماً به بچه‌های آن سرزمین مربوط می‌شود. من فکر می‌کنم سینمای کودک هم همینطور است. کلید آینده دست بچه‌ها است. سینمای کودک در فرهنگ جامعه ما اثر گذار، مهم و ارزشمند است. من ۳۰ سال معلم بودم برای همین برایم بسیار اهمیت داشت که سینمای کودک پا بگیرد وحركت کند. همانطور که گفتید تقریباً ما یک دهه نسبت به سینمای کودک کمی مهری کرده‌ایم ومن به خاطر اهمیت سینمای کودک وارد این عرصه شدم.

در سینمای امریکاروندی وجود دارد که سینما در هر دهه‌سنتی می‌تواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند؛ یعنی گروه سنی هدف، بچه‌ها هستند. آنها معتقدند یاد بهر گونه‌ای فیلم بسازیم که ابتدا بچه‌ها را مخاطب قرار دهیم و بعد بزرگ ترها را، به نظر شما این موضوع در ایران چقدر اهمیت دارد؟ در بین سینماگران ایران گروه‌های هدف چه گروه‌هایی هستند و در چه جایگاهی قرار دارند؟

متأسفانه در کشور ما اصلاً سینمای هدف وجود ندارد. هدف فقط ذائقه با سلیقه بر یاد رفته مردم است. ما سابق مردم را آنقدر پایین آورده‌ایم که فیلم‌های بسیار سطحی حتی دور از شأن مردم ساخته می‌شود. فیلم‌هایی که نه ارزش هنری دارند نه اخلاقی. به همین دلیل در حال حاضر فیلم‌ها به سمتی رفته‌است که سعی می‌شود فقط ذائقه مردم در آن رعایت شود و چند قدم عقب‌تر از مردم است آن هم به خاطر اینکهفروش کند و حیات سینما در آن تضمین شود. در همه جای دنیا سینما، سینمای خانواده است. فیلم‌ها طوری ساخته می‌شود که در واقع خانواده بتواند از آن استفاده کند. ما در تمام دنیا، زبان سینمای کودک را می‌بینیم؛ مثلاً «سیندرلا» یک فیلمی است که در آن عشق مطرح می‌شود. «شُرک» فیلم بزرگسالان هم در آن عشق مطرح شده‌است. «شُرک» فیلم بزرگسالان هم در آن عشق مطرح می‌شود.

این بحث‌ها به نظر من خیلی دیگر بیش با افتاده‌است و اصلاً این اتفاق را نباید دیدم و گرنه اصلاً اکران نمی‌شد. ما متأسفانه همه چیز را با هم قاطی می‌کنیم. من در «پیشونی سفید ۳» کمتر به ترانه پر داختم و بیشتر به قصه توجه کرده‌ام. در آهوی پیشونی سفید ۲ به خاطر همین ترانه‌ها قصه یک مقداری مخدوش شده‌است. من روی موج احساسات و خواسته‌های مردمی حرکت کردم، در مورد رقص و موسیقی اینطور است می‌خواستم مقداری راحت‌تر قصه را پیش ببرم.

علی‌بابا، فیلمی دیگر از آهوی سفید که در ۱۳۹۰ اکران شد

علی‌بابا، فیلمی دیگر از آهوی سفید که در ۱۳۹۰ اکران شد

«**آهوی پیش‌سونی سفید**» **چقدر در جذب مخاطب کودک موفق عمل کرده است؟ یا توجه به اینکه در همه جای دنیا فیلم کودک تماشاگر خوبی دارد.**

شماره ثبت **۳۵۶۷۱** و **شناسه ملی ۱۰۱۰۵۹۳۲۰**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۶/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
رونامه کیرلا انتشارت جوان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد.
عقوب سلیمانی با کد ملی ۰۷۰۵۰۴۱۷۰۷۰ به نمایندگی از بنیاد تعاون بسیج به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۶۵۱۱۴ بعنوان رئیس هیئت مدیره و غلامرضا جهانبخش با کدملی ۰۰۳۲۱۵۳۶۴

به نمایندگی از موسسه خدمات درمانی بسیجیان به شناسه ملی ۰۳۳۱۶۰۳۴۲۱۶۰ بعنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و محمد حسین دینی با کد ملی ۰۰۵۳۹۴۶۷۰ به نمایندگی از خدمات علمی و آموزشی رزمندگان اسلام به شناسه ملی ۰۱۰۰۳۳۸۴۴۲ بعنوان نائب رئیس هیئت مدیره و محمود مرتضایی با کدملی ۰۴۵۰۹۷۲۵۴۲ به موسسه تأمین مسکن بسیجیان به شناسه ملی ۰۰۳۳۷۴۴۲۰۱۰۰ بعنوان عضو هیئت مدیره و علی حقیقت ستا با کدملی ۰۴۳۳۳۷۸۵۰ به نمایندگی از موسسه تأمین اقلام مصرفی بسیجیان به شناسه ملی ۰۰۳۳۷۴۹۵۰۱۰ برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته و بروات، قرارداده‌ا و عقود اسلامی با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب رئیس هیئت مدیره با امضاء نایب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و سایر نامه‌های اداری و عادی با امضاء مدیر عامل با مهر شرکت معتبر است.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۵۱۵۳۲)

شماره ثبت **۳۵۶۷۱** و **شناسه ملی ۱۰۱۰۵۹۳۲۰**



جای بچه‌ها در کنفرانس شهر دوستدار کودک خالی بود!

■ **حسن روانشید** ■

اگرچه نقش سازمان ملل متحد به‌صورت جدی در هیچ‌یک از دامنه‌های اجتماعی درخشان نبوده‌است اما امروز وبعد از ۲۸ سال ایران و اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی آن که به پشتوانه مکتب خود وسع‌ترین تعهد را در امر رعایت حقوق کودکان داشته و به فرمایشات بزرگان به‌خصوص حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «با کودکان به‌گونه‌ای رفتار شود که احساس تکریم و شخصیت کنند» تمکین عملی می‌نمایند، به ابتکار ارگان خدماتی شهری و مشابه آنها در شهرستانی دیگر بچه‌های کار را مجبور به خوردن گل‌های ترگسی می‌نمایند که برای فروش و تأمین معاش بر سر چهارراه‌ها به رهگذران می‌فروختند! افتخار به پایلوت بودن شهر تاریخی اصفهان پس از ۲۸ سال گذر از تصویب ۵۳ بند از پیمان حقوق کودک که در غرب آسیا تنها کشور اردن و شیخ‌نشین شارجه عضو آن هستند نمی‌تواند تغییر و تحولی در بطن اسلام بدهد که خود عالی‌ترین پیام‌ها را در قالب روایات احترام به حقوق بشر وب‌خصوص کودکان دارد و حالانماینده یونسف که در پشت نقاب سازمان ملل متحد همه کشتار‌ها را در بین کودکان یمن نادیده گرفته سخن از فرصت‌های بسیار بزرگ و امید فراوان برای بهبودی زندگی می‌گوید که شهرها می‌توانند آن را تأمین نمایند! نماینده یونسف علی‌رغم نادیده گرفتن همه ناساماتی‌ها و جفا به کودکان در قاره افریقا و همچنین آسیا و به‌خصوص فلسطین و نوار غزه به‌سوی اصفهان می‌آید تا تحت حمایت نمایندگان شورها‌های شهر و شهرداری‌های مختلف روزهای ۲۶ و ۲۷ دی‌ماه را به همکاری با معاونت شهرسازی و معماری شهرداری این شهر و همچنین وزارت کشور در یک هتل چهارستاره تاپ و بدون حضور کودکان محرومی که به گفته حقوق بشر جبر زمانه حقوق‌رسان را تصبیع نموده به گفت‌وگو بنشینند درحالی‌که نمایندگان ۳۱ استان کشور نیز در این ضیافت هلنی که هزینه آن از جیب‌های تهی جامعه تأمین می‌شود نیز حضور درند!اگر است که ویل پارکس نماینده یونسف در ایران به‌خوبی آگاه است از ۴ میلیارد سکنه شهری در نقاط مختلف جهان یک‌سوم کودک هستند اما نمی‌داند از این عدد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفری چه تعدادی از حمایت سازمان ملل متحد محروم هستند و یونسف وجود آنها را در مدن و فلسطین نادیده می‌گیرد!ابنیادهای حقوق بشری در جهان باید این اطلاعات ذی‌قیمت را نیز به دانسته‌های خود بیفزاید که ۷۱ درصد از جمعیت بالای ۸۰ میلیون نفری ایران به مناطق شهری زندگی می‌کنند که ۲۸ درصد این جمعیت را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و ۶۸ درصد آنها در شهرستان‌ها اقامت دارند و درنهایت ۷۱ درصد از جوانان این کشور ساکن شهرها بوده که از هر ۶۰ نفر یکی در پایتخت آن اقامت دارد اما بالاترین درصد رعایت حقوق کودکان جهان را زیر لوای اسلام به دست آورده‌اند بنابراین اگر اصفهان پایلوت شهر دوستدار کودک کاست است که در جنگ جهانی دوم افتخار پذیرای آن پانهدگان لیستان را داشته و به نام شهر بچه‌های جهان نام‌گرفته که امروز ۱۰ نفر آنها در ورشو هنوز هم زنده هستند و شهادت می‌دهند بهترین روزهای زندگی خود را در اصفهان گذرانده‌اند. نباید از یاد برد که ایران با داشتن این توانایی‌های حاصل از مکتب و آیین خود می‌تواند پایلوت شهر دوست‌ساز کودک جهان باشد. چه بهتر بود که صف اول این قسمت به مدیران اختصاص می‌یابد با کودکان کار بر می‌شد تا جامعه به این باور برسد که هزینه‌های انجام‌شده بی‌جهت نیست! آنچه در این دو روز سری‌ شده همانند همه سینما‌ها نشستند و گفتند و برخاستند بوده و همچنین ایجاد واحدی جدید در زیرمجموعه شهرداری این کالشتراش با عنوان «مرکز دوستدار کودک» تا کنفرانس برگزار شده بتواند تلاش خود را برای به دست آوردن خواهرخوانده‌ای جهت اصفهان به ثمر برساند درحالی‌که به‌جز دو کودک به‌عنوان پایلوت در عکس دسته‌جمعی خبری از یک‌سوم جمعیت شهرنشین کشور که زیر ۱۸ سال هستند، نبود!

اگرچه نقش سازمان ملل متحد به‌صورت جدی در هیچ‌یک از دامنه‌های اجتماعی درخشان نبوده‌است اما امروز وبعد از ۲۸ سال ایران و اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی آن که به پشتوانه مکتب خود وسع‌ترین تعهد را در امر رعایت حقوق کودکان داشته و به فرمایشات بزرگان به‌خصوص حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «با کودکان به‌گونه‌ای رفتار شود که احساس تکریم و شخصیت کنند» تمکین عملی می‌نمایند، به ابتکار ارگان خدماتی شهری و مشابه آنها در شهرستانی دیگر بچه‌های کار را مجبور به خوردن گل‌های ترگسی می‌نمایند که برای فروش و تأمین معاش بر سر چهارراه‌ها به رهگذران می‌فروختند! افتخار به پایلوت بودن شهر تاریخی اصفهان پس از ۲۸ سال گذر از تصویب ۵۳ بند از پیمان حقوق کودک که در غرب آسیا تنها کشور اردن و شیخ‌نشین شارجه عضو آن هستند نمی‌تواند تغییر و تحولی در بطن اسلام بدهد که خود عالی‌ترین پیام‌ها را در قالب روایات احترام به حقوق بشر وب‌خصوص کودکان دارد و حالانماینده یونسف که در پشت نقاب سازمان ملل متحد همه کشتار‌ها را در بین کودکان یمن نادیده گرفته سخن از فرصت‌های بسیار بزرگ و امید فراوان برای بهبودی زندگی می‌گوید که شهرها می‌توانند آن را تأمین نمایند! نماینده یونسف علی‌رغم نادیده گرفتن همه ناساماتی‌ها و جفا به کودکان در قاره افریقا و همچنین آسیا و به‌خصوص فلسطین و نوار غزه به‌سوی اصفهان می‌آید تا تحت حمایت نمایندگان گان شورها‌های شهر و شهرداری‌های مختلف روزهای ۲۶ و ۲۷ دی‌ماه را به همکاری با معاونت شهرسازی و معماری شهرداری این شهر و همچنین وزارت کشور در یک هتل چهارستاره تاپ و بدون حضور کودکان محرومی که به گفته حقوق بشر جبر زمانه حقوق‌رسان را تصبیع نموده به گفت‌وگو بنشینند درحالی‌که نمایندگان ۳۱ استان کشور نیز در این ضیافت هلنی که هزینه آن از جیب‌های تهی جامعه تأمین می‌شود نیز حضور درند!اگر است که ویل پارکس نماینده یونسف در ایران به‌خوبی آگاه است از ۴ میلیارد سکنه شهری در نقاط مختلف جهان یک‌سوم کودک هستند اما نمی‌داند از این عدد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفری چه تعدادی از حمایت سازمان ملل متحد محروم هستند و یونسف وجود آنها را در مدن و فلسطین نادیده می‌گیرد!ابنیادهای حقوق بشری در جهان باید این اطلاعات ذی‌قیمت را نیز به دانسته‌های خود بیفزاید که ۷۱ درصد از جمعیت بالای ۸۰ میلیون نفری ایران به مناطق شهری زندگی می‌کنند که ۲۸ درصد این جمعیت را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و ۶۸ درصد آنها در شهرستان‌ها اقامت دارند و درنهایت ۷۱ درصد از جوانان این کشور ساکن شهرها بوده که از هر ۶۰ نفر یکی در پایتخت آن اقامت دارد اما بالاترین درصد رعایت حقوق کودکان جهان را زیر لوای اسلام به دست آورده‌اند بنابراین اگر اصفهان پایلوت شهر دوستدار کودک کاست است که در جنگ جهانی دوم افتخار پذیرای آن پانهدگان لیستان را داشته و به نام شهر بچه‌های جهان نام‌گرفته که امروز ۱۰ نفر آنها در ورشو هنوز هم زنده هستند و شهادت می‌دهند بهترین روزهای زندگی خود را در اصفهان گذرانده‌اند. نباید از یاد برد که ایران با داشتن این توانایی‌های حاصل از مکتب و آیین خود می‌تواند پایلوت شهر دوست‌ساز کودک جهان باشد. چه بهتر بود که صف اول این قسمت به مدیران اختصاص می‌یابد با کودکان کار بر می‌شد تا جامعه به این باور برسد که هزینه‌های انجام‌شده بی‌جهت نیست! آنچه در این دو روز سری‌ شده همانند همه سینما‌ها نشستند و گفتند و برخاستند بوده و همچنین ایجاد واحدی جدید در زیرمجموعه شهرداری این کالشتراش با عنوان «مرکز دوستدار کودک» تا کنفرانس برگزار شده بتواند تلاش خود را برای به دست آوردن خواهرخوانده‌ای جهت اصفهان به ثمر برساند درحالی‌که به‌جز دو کودک به‌عنوان پایلوت در عکس دسته‌جمعی خبری از یک‌سوم جمعیت شهرنشین کشور که زیر ۱۸ سال هستند، نبود!

اگرچه نقش سازمان ملل متحد به‌صورت جدی در هیچ‌یک از دامنه‌های اجتماعی درخشان نبوده‌است اما امروز وبعد از ۲۸ سال ایران و اصفهان پایتخت فرهنگ و تمدن اسلامی آن که به پشتوانه مکتب خود وسع‌ترین تعهد را در امر رعایت حقوق کودکان داشته و به فرمایشات بزرگان به‌خصوص حضرت علی(ع) که می‌فرماید: «با کودکان به‌گونه‌ای رفتار شود که احساس تکریم و شخصیت کنند» تمکین عملی می‌نمایند، به ابتکار ارگان خدماتی شهری و مشابه آنها در شهرستانی دیگر بچه‌های کار را مجبور به خوردن گل‌های ترگسی می‌نمایند که برای فروش و تأمین معاش بر سر چهارراه‌ها به رهگذران می‌فروختند! افتخار به پایلوت بودن شهر تاریخی اصفهان پس از ۲۸ سال گذر از تصویب ۵۳ بند از پیمان حقوق کودک که در غرب آسیا تنها کشور اردن و شیخ‌نشین شارجه عضو آن هستند نمی‌تواند تغییر و تحولی در بطن اسلام بدهد که خود عالی‌ترین پیام‌ها را در قالب روایات احترام به حقوق بشر وب‌خصوص کودکان دارد و حالانماینده یونسف که در پشت نقاب سازمان ملل متحد همه کشتار‌ها را در بین کودکان یمن نادیده گرفته سخن از فرصت‌های بسیار بزرگ و امید فراوان برای بهبودی زندگی می‌گوید که شهرها می‌توانند آن را تأمین نمایند! نماینده یونسف علی‌رغم نادیده گرفتن همه ناساماتی‌ها و جفا به کودکان در قاره افریقا و همچنین آسیا و به‌خصوص فلسطین و نوار غزه به‌سوی اصفهان می‌آید تا تحت حمایت نمایندگان گان شورها‌های شهر و شهرداری‌های مختلف روزهای ۲۶ و ۲۷ دی‌ماه را به همکاری با معاونت شهرسازی و معماری شهرداری این شهر و همچنین وزارت کشور در یک هتل چهارستاره تاپ و بدون حضور کودکان محرومی که به گفته حقوق بشر جبر زمانه حقوق‌رسان را تصبیع نموده به گفت‌وگو بنشینند درحالی‌که نمایندگان ۳۱ استان کشور نیز در این ضیافت هلنی که هزینه آن از جیب‌های تهی جامعه تأمین می‌شود نیز حضور درند!اگر است که ویل پارکس نماینده یونسف در ایران به‌خوبی آگاه است از ۴ میلیارد سکنه شهری در نقاط مختلف جهان یک‌سوم کودک هستند اما نمی‌داند از این عدد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفری چه تعدادی از حمایت سازمان ملل متحد محروم هستند و یونسف وجود آنها را در مدن و فلسطین نادیده می‌گیرد!ابنیادهای حقوق بشری در جهان باید این اطلاعات ذی‌قیمت را نیز به دانسته‌های خود بیفزاید که ۷۱ درصد از جمعیت بالای ۸۰ میلیون نفری ایران به مناطق شهری زندگی می‌کنند که ۲۸ درصد این جمعیت را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند و ۶۸ درصد آنها در شهرستان‌ها اقامت دارند و درنهایت ۷۱ درصد از جوانان این کشور ساکن شهرها بوده که از هر ۶۰ نفر یکی در پایتخت آن اقامت دارد اما بالاترین درصد رعایت حقوق کودکان جهان را زیر لوای اسلام به دست آورده‌اند بنابراین اگر اصفهان پایلوت شهر دوستدار کودک کاست است که در جنگ جهانی دوم افتخار پذیرای آن پانهدگان لیستان را داشته و به نام شهر بچه‌های جهان نام‌گرفته که امروز ۱۰ نفر آنها در ورشو هنوز هم زنده هستند و شهادت می‌دهند بهترین روزهای زندگی خود را در اصفهان گذرانده‌اند. نباید از یاد برد که ایران با داشتن این توانایی‌های حاصل از مکتب و آیین خود می‌تواند پایلوت شهر دوست‌ساز کودک جهان باشد. چه بهتر بود که صف اول این قسمت به مدیران اختصاص می‌یابد با کودکان کار بر می‌شد تا جامعه به این باور برسد که هزینه‌های انجام‌شده بی‌جهت نیست! آنچه در این دو روز سری‌ شده همانند همه سینما‌ها نشستند و گفتند و برخاستند بوده و همچنین ایجاد واحدی جدید در زیرمجموعه شهرداری این کالشتراش با عنوان «مرکز دوستدار کودک» تا کنفرانس برگزار شده بتواند تلاش خود را برای به دست آوردن خواهرخوانده‌ای جهت اصفهان به ثمر برساند درحالی‌که به‌جز دو کودک به‌عنوان پایلوت در عکس دسته‌جمعی خبری از یک‌سوم جمعیت شهرنشین کشور که زیر ۱۸ سال هستند، نبود!

«**آهوی پیش‌سونی سفید**» **چقدر در جذب مخاطب کودک موفق عمل کرده است؟ یا توجه به اینکه در همه جای دنیا فیلم کودک تماشاگر خوبی دارد.**

شماره ثبت **۳۵۶۷۱** و **شناسه ملی ۱۰۱۰۵۹۳۲۰**

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۶/۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
تعداد اعضای هیئت مدیره از ۷ نفر به ۵ نفر کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۳۵۱۵۳۲)

آگهی تغییرات موسسه فرهنگی هنری راهیان سماء کرج
موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۷۷۷
و شناسه ملی ۱۰۰۰۹۸۷۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱. محل شرکت در واحد ثبتی استان البرز، شهرستان کرج، بخش مرکزی، شهر کرج، کوی کارمندان شمالی، بلوار شهید دکتر بهشتی، کوچه یاس دوم، پلاک ۳۳ طبقه دوم کدپستی ۳۱۴۵۷۱۳۷۴ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید .
با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک استان البرز

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری کرج